



رابطه سبک زندگی با تمایل به بزه‌کاری (نمونه مورد مطالعه دختران دبیرستانی شهر کرمان)

فاطمه انجم شعاع^۱، حسین موسی پور^۲، الهام شیردل^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸

چکیده

سبک زندگی ناسالم می‌تواند بستری برای بروز اختلالات رفتاری، انحرافات اخلاقی و بزه‌کاری اجتماعی محسوب گردد. در این تحقیق از چهارچوب نظری علامه طباطبایی و دکتر زاهد استفاده شده است. این مقاله با عنایت به بینش نظری فوق، درصدد است تمایل به رفتارهای بزه‌کارانه دختران دبیرستانی در شهر کرمان را از طریق سبک‌های زندگی تبیین کند. متغیر مستقل این پژوهش سبک زندگی است، که به دو دسته اصلی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مدرن تقسیم شده است.

روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر کرمان در سال ۱۳۹۲ می‌باشد. در این پژوهش ۳۸۱ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شده و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، الف) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی دختر شهر کرمان تمایل به بزه‌کاری به میزان قابل ملاحظه‌ای رواج داشته است. ب) سبک زندگی اسلامی اثر کاهنده بر تمایل به بزه‌کاری دارد. ج) اجرای تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که مؤلفه‌های سبک زندگی استفاده از رسانه خارجی و داخلی، موسیقی مدرن، مدیریت بدن، فعالیت گردشی تفریحی و فعالیت‌های مذهبی بر شدت تمایل به بزه‌کاری اثر دارد و می‌تواند ۱۲ درصد آن را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، تمایل به بزه‌کاری، دختران دبیرستانی.

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و کارشناس امور انتظامی و امنیتی فرمانداری بردسیر- بخشدار گلزار، (نویسنده مسئول)
f.anjom@yahoo.com - ۰۹۱۳۲۹۷۸۰۲۰

۲- کارشناس حسابداری و بخشدار گلزار، ۰۳۴-۳۳۵۵۰۷۵۰

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ۰۹۳۷۷۴۹۴۸۳۵ - el.mshirdel@gmail.com



بزه‌کاری جوانان پدیده‌ای جهانی است، و جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. بزه‌کاری جوانان شاخه‌ای فرعی از انحراف و جرم است که به طور خلاصه می‌توان آن را نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف کرد. اصطلاح بزه‌کار در مورد کسانی به کار برده می‌شود که بر خلاف موازین، مقررات، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی عمل می‌کنند (فرجاد، ۱۳۷۵: ۱۶۹). رفتارهای بزه‌کارانه، رفتارهایی هستند که سلامت و بهزیستی نوجوانان و جوانان و دیگر افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد (زارعی، ۱۳۸۸: ۳۲). بدون تردید، توسعه و پیشرفت جوامع بشری، مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان در آن جوامع است. اما یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی، به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع، سهم بسزایی دارد، پدیده بزه‌کاری است که امروزه گریبان گیر بسیاری از کشورها، از جمله ایران شده است. نوجوانان و جوانان بزه‌کار، فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و اشتغال از دست می‌دهند که این امر به سهم خود آثار و عواقب ناخوشایندی را برای زندگی آتی آنان به دنبال دارد. پدیده بزه‌کاری جوانان باعث تباهی بسیاری از فرزندان و آینده‌سازان جامعه می‌شود؛ هزینه‌های کلان و گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند؛ جامعه را از داشتن نیروی انسانی کارآمد، متخصص و متعهد محروم می‌سازد؛ امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد و بالاخره مشروعیت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را زیر سؤال می‌برد. بنابراین، بزه‌کاری نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند (صادقی فر، ۱۳۸۹: ۳). و شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسان‌ها در جوامع گوناگون سبک زندگی است. سبک زندگی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی به آن بسیار توجه کرده‌اند. برای مثال در مطالعه‌ی که به بررسی سبک‌های زندگی بزه‌کارانه نوجوانان پرداخته شده، مشخص شده کسانی که دچار انحراف شده‌اند و میزان ارتکاب آن‌ها به اعمال انحرافی مثل مصرف سیگار با الکل یا ماری جوانا بسیار بیشتر است، الگوهای سالم سبک زندگی در زندگی روزمره‌ی آن‌ها اصلاً دیده نمی‌شود یا بسیار کم است (زارعی، ۲۰۱۰: ۳۱). سبک زندگی، یعنی انطباق دادن یک رهیافت سبک داده شده در زندگی. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای از: تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها، سلیقه‌ها و عملکردها دانست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد و عملکردهایی که در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله: نوع پوشش، خوراک، زبان،





ادبیات، مد، مصرف فرهنگی، رفتارهای شخصی، نحوه گذران زندگی و اوقات فراغت و ... تجسم می‌یابند (فاطمه ابوترابیان، ۱۳۹۳).

در این میان بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرف اندیشی در آن، به روشنی ظرفیت بالای آن را برای فرهنگ سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب برای انتخاب شیوه زندگی مطلوب را نشان می‌دهد؛ زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی، تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود را می‌توان در چارچوب نظام معنایی اسلام بیان نمود (فاضل قانع، ۱۳۹۳: ۱۱). بر این اساس، در جامعه‌ی اسلامی نیز باید آن دسته از الگوهای رفتاری مورد توجه باشد که توسط آموزه‌های اسلامی و به ویژه تعالیم قرآنی، توصیه شده است. به همین دلیل، قرار گرفتن جامعه‌ی اسلامی معاصر در دوره‌ی گذار تاریخی و فرهنگی موجب می‌شود تا توجه به سبک زندگی اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار گردد (همان: ۲۶). اما در نقطه مقابل سبک‌های زندگی برگرفته از اسلام ناب محمدی (ص) سبک‌های زندگی غربی رواج پیدا کرده است که به نوعی شیوه زندگی جدید غربی شورش برضد هر چیزی است که سنت تلقی شده است. اعم از سنت به همان مفهوم قدسی و آسمانی یا آداب و سنن و همه آنچه از نسل‌های پیشین رسیده است. از ویژگی‌های سبک زندگی غربی اصل اصالت لذت و اصالت منفعت به عنوان دو اصل اساسی جاری در زندگی مردم غرب بر اساس مفاهیم فلسفه اومانیسم تعریف می‌شود. اومانیسم، ماده گرایی، سکولاریسم، خردگرایی، فردگرایی و جهانی شدن پایه و اساس تفکر در غرب را شکل می‌دهند. سبک زندگی غربی به همراه نشانه‌هایی همانند سنت گریزی، دین گریزی، مادی گرایی در زندگی فرد بروز می‌یابد و او را به بهره مندی از لذت‌های آنی سوق می‌دهد (ابوترابیان، ۱۳۹۳: ۳۱).

در سال‌های اخیر، افزایش تغییرات در شیوه‌های زندگی خانواده‌ها که به نوعی تحت تأثیر شیوه‌های زندگی در غرب قرار گرفته، خطر درگیری عموم به ویژه جوانان را در فعالیت‌های جنایی و جرم خیز افزایش داده است. وجود امنیت در هر جامعه، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل تضمین رشد و توسعه پایدار و مطلوب است، در حالی که جرم مهم‌ترین دشمن امنیت اجتماعی است و افزایش آن؛ رابطه منفی با امنیت دارد. افزایش رفتارهای بزه‌کارانه دولت‌ها را به چاره جویی و تلاش برای یافتن راه حل وادار می‌کند تا از بروز جرم پیشگیری نمایند. از دیدگاه علمی، جلوگیری از بروز هر مفسده و معضل اجتماعی و فردی، بهترین شیوه مبارزه با آن است. این مهم، از نظر اقتصادی نیز باصرفه است؛ چراکه نیرو و مدت زمان زیادی در مسیر مبارزه با آن به هدر نمی‌رود





(نبوی، ۱۳۹۱: ۱۴). از اینرو در این پژوهش هدف آن است که با تکیه بر نظریه‌های اسلامی درباره سبک زندگی و با استفاده از داده‌های عینی، مسأله بزه‌کاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی را بررسی کرده و به نقش سبک زندگی در بروز و جلوگیری از بزه‌کاری در شرایط کنونی زندگی نوجوانان پرداخته شود.

مفاهیم تحقیق

تمایل به بزه‌کاری: بزه‌کاری بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی به دسته‌های کوچک‌تری مانند: بزه‌کاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها و...) و بزه‌کاری ملایم (تخریب و شکستن اموال مدرسه و عمومی، پاره کردن صندلی و...) تقسیم شده است (اگنیو، ۱۹۹۱: ۵۹). در پژوهش حاضر منظور از رفتار بزه‌کارانه، بزه‌کاری از نوع ملایم است و موارد زیر بعنوان رفتار بزه‌کارانه شناخته می‌شوند: فرار از مدرسه، فرار از خانه، ارتباط تلفنی یا مستقیم با جنس مخالف، دروغ، شرکت در دعوای گروهی یا فردی، تخریب اموال عمومی (اموال مدرسه، صندلی اتوبوس و...)، تقلب در امتحان، آوردن فیلم و سی‌دی‌های غیرمجاز به مدرسه، دزدی، نافرمانی نسبت به والدین و توهین به آن‌ها، تأخیر در مدرسه بطوری که موجب ناراحتی خانواده و مدرسه شده باشد (زاهد و الماسی، ۱۳۸۶: ۴۴). متغیر تمایل به بزه‌کاری در این پژوهش در قالب تعداد دفعات تمایل به انجام رفتارهای بزه‌کارانه ملایم فوق در خود و دوستان نزدیک ارزیابی شده است.

سبک زندگی: مفهوم سبک زندگی تعاریف متنوع و گاه متفاوتی را در بر می‌گیرد. در بعضی از تحقیقات سبک زندگی به عنوان الگوهای فعالیت اوقات فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی و مادی در نظر گرفته شده است. برخی سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌دانند که در بردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست برخی نیز عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی را در سه گروه سبک (مانند سرگرمی و کار)، علاقمندی‌ها (خانواده و مدرسه) و عقاید (موضوعات سیاسی و اجتماعی) تقسیم بندی کرده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه‌ی رفتارهای هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر اینکه دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده‌ی کم و کیف نظام





باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۳).

با مروری بر نظریه‌های سبک زندگی، فاضلی معتقد است در سنجش سبک‌های زندگی توسط پژوهشگران مختلف، شاخص‌های متنوعی به کار رفته است. وی این شاخص‌ها را به شرح زیر طبقه بندی کرده است: (۱) مصرف فرهنگی، (۲) فعالیت‌های فراغت، (۳) شاخص‌های پراکنده که شامل الگوهای خرید، نام گذاری کودکان، رفتار خانوادگی، و الگوی مصرف غذا می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸-۱۲۷). برای بررسی اعتبار سازه طیف سبک زندگی از تکنیک تحلیل عامل استفاده شد. بر اساس نتیجه جدول شماره ۱ و با توجه به آماره K.M.O می‌توان نتیجه گرفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بار تلت نیز معنی دار است. در واقع، میزان خطا با $(Sig=0/000)$ در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را برای متغیر سبک زندگی مدرن و اسلامی داشته‌اند. در این تحقیق بر پایه نتایج این تکنیک، شش عامل به دست آمد که به ترتیب دو عامل انجام فعالیت‌های مذهبی در زندگی روزمره و استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی (مثل برنامه‌های مذهبی تلویزیون داخلی، گوش دادن به رادیو قرآن، کتاب‌ها و مجلات مذهبی) بعنوان نمود سبک زندگی اسلامی و چهار عامل گوش دادن به موسیقی مدرن، استفاده از رسانه‌های خارجی (مثل چت، اینترنت، رادیو خارجی، ماهواره)، فعالیت گردشگری تفریحی (مثل گردش در پاساژها، پارک‌ها، رستوران‌ها و ...) و مدیریت بدن (مثل استفاده از لوازم آرایشی و زیبایی صورت و بدن) بعنوان نمود سبک زندگی مدرن نمایش داده شد.

پیشینه پژوهش

خواجه نوری در سال ۲۰۱۰ پژوهشی در مورد رابطه بین فناوری اطلاعات و ارتباطات با تمایل به بزه‌کاری در بین ۵۰۰ نفر دانش‌آموز دبیرستانی در شهر آباد به روش پیمایش انجام داده است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات با تمایل به بزه‌کاری رابطه مثبت وجود دارد. و اما استفاده از رسانه‌های قدیمی با بزه‌کاری رابطه ندارد و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی که گسترش زیادی بین نسل جوان پیدا کرده، حدود ۱۲ درصد از متغیر تمایل به بزه‌کاری را تبیین می‌کند. خواجه نوری و هاشمی نیا در سال ۱۳۸۹ تحقیقی را با عنوان رابطه اوقات فراغت (یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی) و بزه‌کاری نمونه مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی





شهر شیراز را انجام دادند و نتایج این تحقیق نشان داد که بین فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان یافته و رفتارهای بزه‌کارانه رابطه منفی وجود دارد، اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و بزه‌کاری رابطه مثبت معنا داری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل رگرسیونی با چهار متغیر وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳ تغییرات متغیر بزه‌کاری را تبیین می‌کند.

علی وردی نیا و دیگران در سال ۱۳۸۷ تحقیقی در مورد رابطه بین فعالیت‌های ورزشی (یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی) و بزه‌کاری انجام دادند که رابطه بین مشغولیت بیشتر در ورزش‌های انفرادی و بزه‌کاری در این تحقیق به دست آمد.

مشکانی در سال ۱۳۷۱ پژوهشی را با عنوان سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزه‌کاری نوجوانان ۱۵ دختر در زندان اوین و در میان ۹۰ پسر در کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران انجام داد. داده‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که تقویت نگرش‌های مثبت اعتقادی و اخلاقی، فرد را از ورطه بزه‌کاری می‌رهاند.

پژوهش نازکباز و همکاران (۱۳۸۵) به منظور تعیین نقش دینداری (به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی) در ممانعت از بزه‌کاری جوانان شهر تهران با استناد به دیدگاه‌های دینداری و پیوند اجتماعی سعی در ارائه تحلیل جامعه شناختی از دینداری به منزله راهکاری برای مقابله با معضل بزه‌کاری جوانان دارد. روش این تحقیق پیمایشی و از نوع علی مقایسه‌ای پس از وقوع است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معنی داری بین ابعاد دینداری و میزان بزه‌کاری در بین دو گروه جوانان عادی (غیر بزه‌کار) و زندانی (بزه‌کار) در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. اما نتایج حاصل از تحلیل چند متغیری، بیانگر آن است که تنها، بعد پیامدی دینداری تأثیر مستقیم بر بزه‌کاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزه‌کاری جوانان به خود اختصاص داده است.

پور یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی در زمینه بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران با روش پیمایش روی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های مناطق ۳ و ۱۹ شهر تهران با جمعیت نمونه ۳۸۰ نفر انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار حاصل شده است (پور یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

صادقی فر (۱۳۸۹) در تحقیقی با هدف شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزه‌کاری با روش پیمایش روی ۹۶ نوجوان پسر بزه‌کار به این نتیجه رسید که بین میزان پایبندی مذهبی خانواده و بزه‌کاری پاسخ‌گویان رابطه معکوس





و معناداری وجود دارد.

سلطانی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط بین جهت گیری مذهبی اسلامی و رفتارهای خودکشی گرایانه در سربازان یکی از سازمان‌های نظامی کشور ۱۶۵۹ نفر از سربازان مشغول به خدمت در یکی از سازمان‌های نظامی در شش استان کشور به روش نمونه گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب کردند. ابزارهای مطالعه شامل مقیاس افکار خودکشی بک و مقیاس جهت گیری مذهبی اسلامی بودند. نتایج نشان داد بین رفتارهای خودکشی گرایانه و جهت گیری مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. دو گروه افراد دارای افکار خودکشی و افراد فاقد افکار خودکشی در نمرات زیر مقیاس‌های اخلاق اسلامی، عقاید و مناسک اسلامی و جهت گیری مذهبی بر اساس اسلام تفاوت معنی داری داشته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت بین دو متغیر جهت گیری مذهبی بر اساس اسلام و رفتارهای خودکشی گرایانه رابطه منفی معنی داری وجود دارد. لذا تقویت باورهای مذهبی و تقویت جهت گیری مذهبی جوانان سرباز می‌تواند در زمینه کاهش بروز افکار و اقدام به خودکشی مؤثر باشد.

ارتباط مذهب با بزه‌کاری زمانی قابل طرح است که دینداری بر اساس محتوای اجتماعی اخلاقی و فرهنگی تعریف شده باشد. در این زمینه چادویک و تاپ^۱ (۱۹۹۳) چنین نتیجه گیری می‌کنند که دو معیار دینداری، یعنی رفتار مذهبی و احساسات دینی، در پیش بینی بزه‌کاری دخالت دارند، به نحوی که هرچه شدت رفتار مذهبی در بعد خصوصی بیشتر باشد و احساسات دینی قوی‌تر و مقبولیت بیشتری داشته باشد، میزان ارتکاب بزه‌کاری کمتر خواهد بود.

لاکفیلد و همکاران^۲ (۱۹۹۷) پژوهشی تحت عنوان «ابعاد دینداری به عنوان روابط بین رفتار انحرافی و والدین و بزرگسالان» انجام دادند. در این تحقیق نشان داد که سه بعد دینداری به صورت متغیرهای مداخله گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دینداری فرزندانشان انحراف بعدی را برطرف کند.

یافته‌های تحقیق دیگری که در سال ۱۹۹۸ توسط سید حسین سراج زاده تحت عنوان «تدین اسلامی و بزه‌کاری» به روش پیمایش انجام گرفته بازگویی آن است که دینداری ارتباط معکوس و نسبتاً قوی با بزه‌کاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران دارد که حاکی از الگوی کاهش منظمی در نسبت بزه‌کاری اظهار شده از



1-Chadwick & Top

2-Litchfield & Darwin



پاسخگویان باتوجه به افزایش نمره دینداری بوده است.

پژوهش بایر و رایت^۱ در فراتحلیلی از اثر دین بر جرم در سال ۲۰۰۱ منتشر شد. پرسش آغازین این تحقیق آن است که آیا رفتارها و باورهای مذهبی، بازدارنده رفتارهای جنایی است؟ نتایج این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که رفتارها و اعتقادات مذهبی یا دینی اثر بازدارندگی متوسطی در رفتار جنائی افراد دارند.

عنوان پژوهش بندا و کراون^۲ «آیا اثرات مذهب بر جرم واسطه هستند و به وسیله مقیاس‌های نامرئی بد جلوه داده شده» در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری (نه صرف رفتن به کلیسا) با جرم رابطه مهم و معنی داری دارد و دینداری عامل مهم پیش بینی و عاملی بازدارنده است.

مبانی نظری

نظریه‌های جامعه‌شناختی در مورد علل بزه‌کاری: نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای تبیین گسترش رفتارهای بزه‌کارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان مطرح شده است. دورکیم بنیان‌گذار اصلی جامعه‌شناسی بر این باور است که نرخ انحراف در جوامع متأثر از نوع سازمان اجتماعی و میزان انسجام اجتماعی است. او در مطالعات خود نشان داد که نوع و میزان جرم در جامعه مستقیماً با شیوه‌های بنیادی که جامعه حول آن سازمان یافته است، مرتبط می‌باشد. مرتن همسو با دورکیم بر این باور بود که رفتار انحرافی در هر جامعه نشانگر نوع خاصی بی‌سازمانی اجتماعی است. در تحلیل مرتن اثرات روانی فشار و تنش‌های موجود در زندگی و جامعه بر انحراف تأثیر گذار است. شاو و مک کی در مکتب شیکاگو بر سبک‌های زندگی تأکید نموده و سبک‌های زندگی به گونه‌ی انحرافی که نتیجه بی‌سازمانی و فقدان همبستگی اجتماعی است را عامل بروز بزه و جرم به شمار می‌آورند (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۱۴۰-۱۷۵).

از نظر ساترلند افراد یک جامعه از طریق فرایند هم‌نشینی، فرهنگ و ارزش‌های بزه‌کارانه و جنایی را فرا می‌گیرند. کوهن، خرده فرهنگ نابهنجار را شیوه‌ی خاص زندگی برخی افراد و گروه‌ها در جامعه می‌داند که شیوه زندگی شان تبدیل به نوعی سنت در آن جامعه شده است و باعث افزایش رفتارهای بزه‌کارانه می‌گردد. براساس دیدگاه کنترل اجتماعی هیرشی جرم و بزه هنگامی روی می‌دهد که پیوندهای اجتماعی





بین فرد و جامعه تضعیف و یا تشدید می‌شوند. بر اساس این نظریه، چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد مانع رفتار بزه‌کارانه می‌شود. در همین جهت، ضعف هریک از این ابعاد در سبک زندگی می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی در آن‌ها شود. آگنیو در نظریه فشار بیان می‌کند از دست دادن روابط و یا روابط منفی و آزار دهنده با والدین، گروه همسالان و اطرافیان و فشارهای ناشی از رویدادهای استرس‌زای زندگی می‌تواند منجر به ظهور رفتارهای بزه‌کارانه شود (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۱۷۸-۲۴۰).

نظریه‌های جامعه‌شناختی سبک زندگی: از نظریه پردازان معاصر و معروف در حوزه سبک زندگی می‌توان به گیدنز و بوردیو اشاره نمود. بطور خلاصه نظریه گیدنز استدلال می‌کند، در دنیای مدرن، منابع هم ارز دیگری برای تفسیر کنش در دسترس افراد قرار دارد و همین امر تنوع گزینه‌ها را زیاد کرده است. یکی از پیامدهای آن اهمیت یافتن شیوه زندگی و اجتناب ناپذیر بودن آن برای فرد است. شیوه‌های زندگی بصورت عملکرد روزمره در می‌آیند. عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و مصرف تجسم می‌یابند. شخصی که خود را به یک شیوه زندگی معین متعهد می‌داند، انتخاب‌های دیگر را لزوماً خارج از موازین و معیارهای خویش می‌بیند. بعلاوه گزینش یا ایجاد شیوه‌های زندگی تحت تأثیر فشارهای گروه و الگوهای رفتاری آن‌ها و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۱-۱۲۲).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی بعنوان منبع تفسیر و هویت ساز افراد می‌تواند بر انتخاب الگوهای رفتاری تأثیر بسزایی داشته باشد. سبک زندگی با فرصت انتخابی که به وجود می‌آورد به افراد تا حدی آزادی عمل می‌دهد تا بتوانند در زندگی خود دست به انتخاب بزنند. در نتیجه ممکن است افراد الگوهای رفتاری مختلفی نظیر رفتار بزه‌کارانه را برای خود برگزینند (چاووشیان و اباذری، ۱۳۸۱).

بوردیو معتقد است که زمینه‌های رفتاری را می‌توان به لحاظ میزان سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی کسانی که در آن‌ها جای دارند بررسی کرد و نقشه‌ی اجتماعی و فرهنگی موقعیت اجتماعی و خط سیر اجتماعی آن‌ها را در جامعه ترسیم نمود (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱). به عبارتی بوردیو در نظریه‌ی تجربه و پویایی گزینش خود، معتقد است پرورش شخص در خانواده‌ها و طبقه‌های خاص، خواسته‌ها و تجربیات اولیه‌ای از زندگی برای فرد فراهم می‌کند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه او تبدیل می‌شود. این خواسته‌ها قابلیت نقل مکان دارد و در تمام اشکال اعمال، فعالیت و مصرف فرد خودنمایی می‌کند. که باعث تصویر متفاوتی از کردار و فعالیت در ذهن افراد می‌شود.





این تفاوت در سلیقه‌ها و فعالیت‌ها به سبک‌های گوناگونی بستگی دارد که نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۶).

به نظر بوردیو، انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه‌های سبک زندگی انجام می‌دهند اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی را یاد می‌گیرند (جاروی و مگیور، ۱۹۹۴: ۱۹۹-۲۰۰). پویایی‌های مصرف سبک زندگی، جایگاه فرد را در یک حوزه مشخص می‌کند و از این طریق دیدگاه او را درباره خود و دیگران شکل می‌دهد. به تعبیر «بوردیو»، گزینه‌های انتخابی الگوهای رفتاری سالم و ناسالم جملگی بازتابنده چارچوب‌های کلی سبک زندگی هستند و این چارچوب‌ها هم‌تراز با طبقه اجتماعی می‌باشند (همان: ۲۰۰). به نظر «بوردیو»، انتخاب‌های مربوط به سبک‌های گوناگون و متفاوت زندگی اعم از سنتی و نوین در همین مجموعه از اولویت‌های متمایز ریشه دارد که به نوبه خود مبنای شکل‌گیری کالاها و عملکردهای مناسب و معتبر می‌شود (بوردیو، ۱۹۷۸: ۸۴۰-۸۱۹).

چهارچوب نظری اسلامی

بطور کلی نظر اسلام به نظر فردگرایان و جمع‌گرایان شبیه نیست، بلکه اسلام معتقد است انسان و زندگی اجتماعی وی هر دو در تحلیل مسائل اجتماعی مهم‌اند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۶). علامه طباطبایی یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان اسلام است که بطور کلی به مشارکت متریبان در تعیین قوانین گروه، به عنوان یکی از راه‌های مؤثر در رفتار اجتماعی اعتقاد دارد. اما این روش را به تنهایی کافی نمی‌داند؛ و در کنار این عامل به نقش ایجاد کنترل درونی در افراد تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، به نقل از عابدی و همکاران، ۱۳۹۰). بر این اساس می‌توان گفت علامه با اعتقاد به نیروی بیشتر جامعه نسبت به فرد معتقد است اگر ابتدا جامعه و سبک زندگی اصلاح نشود، رفتار اجتماعی درست و غیربزه‌کارانه بوجود نمی‌آید. توجه به دین در سبک زندگی و تربیت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اولاً اساسی برای تعدیل عقل و رأی افراد جامعه است؛ چرا که عقل و رأی که در دیدگاه اصالت فرد اهمیت زیادی دارد به تنهایی ممکن است در تشخیص حقیقت اشتباه کنند. بنابراین، کاربرد دین در سبک زندگی از دیدگاه علامه؛ ۱- ایجاد کنترل درونی از طریق پرورش اخلاقی مبتنی بر توحید و ۲- پیشگیری از بروز رفتارهای غیراخلاقی و بزه‌کارانه است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

نظریه زاهد بر پایه مبانی و اندیشه‌های اسلامی ایده‌های جدیدی در شکل‌گیری





رفتارهای اجتماعی ارائه می‌کند. وی استدلال می‌کند از سن هفت سالگی تا سن بلوغ که در حوالی چهارده سالگی فرا می‌رسد، کودک یا نوجوان با استفاده از الگوپذیری از مدل زبانی و رفتاری دیگران، به تنظیم دسته بندی و جمع بندی‌های خود می‌پردازد. در این سنین الگوپذیری به حد بالای خود می‌رسد. وجود الگوهای مناسب در سبک زندگی برای رشد مطلوب و هدایت رفتارهای صحیح نوجوانان در این سنین بسیار اهمیت دارد. این الگوها می‌توانند الگوهای زنده و یا در داستان‌ها و اسطوره‌ها و هنرهای مختلف باشند. بر طبق نظریه زاهد انسان‌ها در بدو تولد با استفاده از سه وسیله شناخت با جهان اطراف ارتباط برقرار می‌کنند. در هفت ساله اول با محوریت حس، در هفت ساله دوم زندگی با محوریت عقل و در هفت ساله سوم با محوریت قلب جهان اطراف را می‌شناسند. آنان در درون خود دریافت‌ها را در هفت ساله اول به صورت پراکنده، در هفت ساله دوم با تقلید از دیگران و در هفت ساله سوم به وسیله منطقی که فرا گرفته‌اند تنظیم می‌نمایند. فطرت انسانی از ابتدا قدرت تمیز بد و خوب، درست و غلط و مطلوب و نامطلوب در دریافت‌ها و نیز در تنظیم را دارد. همین نیرو انسان را به سوی دریافت و تنظیم صحیح دریافت‌ها، هدایت می‌نماید (زاهد، ۱۳۹۰: ۸۴-۸۳). اما شیوه‌های گوناگون زندگی و انحرافات درونی به علت ضعف منطقی و یا پیروی از هوا و هوس می‌تواند نوجوان را از مسیر دریافت و تنظیم درست دریافت‌ها و رفتارهای اخلاق مدار، باز دارد (قرآن کریم، سوره روم: آیه ۳۰).

فرهنگ‌های موجود در عالم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. فرهنگ‌هایی که در ادراکاتشان واقعیت را فقط واقعیت مشهود می‌دانند و از واقعیت غیب غفلت می‌ورزند و اجتماعاتی که علاوه بر واقعیت مشهود به واقعیت غیب نیز باور دارند. در دسته اول وسائل شناخت در خدمت دریافت فقط واقعیت قابل مشاهده است و در دسته دوم این ابزار برای دریافت واقعیت قابل مشاهده و نیز واقعیت غیب به کار می‌رود. کسانی که به هر دو نوع واقعیت قائل هستند از ادیان تبعیت می‌کنند. دسته دیگر که فقط به واقعیت مشهود باور دارند دنیاگرا هستند و اصطلاحاً به آنان سکولار می‌گویند. از نظر آنان ورای جهان مادی چیز موثری وجود ندارد. اگر چیزی هم وجود داشته باشد تأثیرات خود را از طریق ماده اعمال می‌کند و لاغیر.

بد و خوب، درست و غلط یا مطلوب و نامطلوب‌های معتقدین به این دو نوع فرهنگ با یکدیگر متفاوت است. به اجمال می‌توان گفت که در دنیای امروز عمدتاً فرهنگ‌ها و سبک زندگی سکولار یا بر مبنای ثروت قرار دارند و یا قدرت. در فرهنگ





غير سکولار و يا سبک زندگی دينی الهی همه چيز بر اساس اعتقاد به خداوند متعال تنظيم می‌شود (زاهد، ۱۳۹۰: ۸۴-۸۳). در فرهنگ الهی و سبک زندگی اسلامی، خداوند پرستیده می‌شود، دريافت‌های تخصصی در راستای تبیین امر الهی و دانش الهی است. در اين نظام هم قدرت و ثروت برای صرف در راه خدا مطلوب است. انسان‌ها در جريان اجتماعی شدن با استفاده از دستگاه شناخت خود و سبک زندگی که دارند، دريافت‌های و باید و نیابدهای رفتاری خود را شکل می‌دهند (همان).

زاهد بر اساس منطق سیستمی معتقد است که اگر نظام دريافت‌ها و سبک زندگی غير متعادل شود، ناهنجاری رفتاری و درونی برای نوجوان حاصل می‌شود. از اين رو در سنين چهارده تا بیست و یک سالگی باید نهایت دقت در رسیدن به هماهنگ‌ترین انتخاب دريافت و رفتار را داشته باشیم. فراهم و تبلیغ نمودن الگوهای مناسب زندگی در سنين هفت تا چهارده سالگی و کمک به انتخاب و اختيار بهترین سبک زندگی در قالب مشورت در سنين بعد از بلوغ بهترین هدیه‌هایی است که مریبان و پدر و مادرها می‌توانند به فرزندان خود بدهند.

سیستم دريافت‌ها و سبک زندگی هر شخص نیز دارای یک مبنا است که بر اساس آن بقیه‌ی اجزاء شناخت و رفتارهای اجتماعی تنظيم و رتبه بندی می‌گردد. برخی ممکن است در طول زندگی خود به اين نتیجه رسیده باشند که ثروت قابل اطمینان‌ترین وسیله در جهان است. اين گونه از افراد دنیای خود را بر اساس پول و ثروت تنظيم می‌کنند. برخی ممکن است به اين نتیجه رسیده باشند که قدرت حلال همه مشکلات است. برای آنها تنظیمات دريافت‌هایشان بر اساس قدرت است. برخی هم خداوند تبارک و تعالی را بزرگ‌ترین عامل تعیین کننده می‌دانند. برای آنها خداوند در محور طلب قرار می‌گیرد. آنچه که در محور دستگاه شناخت و سبک زندگی قرار می‌گیرد مطلوب‌ترین یا درست و خوب‌ترین وجود از نظر آن شخص است. بنابراین انسان‌ها چیزی را می‌پرستند که به آن بیش از هر چیز اطمینان دارند و آن را در محور سبک زندگی خود قرار داده‌اند. اگر مال محور باشد ثروت مادی وسیله ارزیابی خوب و بد، درست و غلط یا مطلوب و نامطلوب شخص قرار می‌گیرد. اگر قدرت محور باشد زور بد و خوب، درست و غلط یا مطلوب و نامطلوب را معرفی می‌نماید. اما اگر خداوند تبارک و تعالی محور باشد ارزش‌های الهی خوب، درست یا مطلوب و غير الهی بد، غلط یا نامطلوب می‌شود (زاهد، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰). اشتباه در انتخاب محور سبک زندگی می‌تواند به بروز رفتارهای بزه‌کارانه و نابهنجارانه افراد منجر شود. با توجه به مباحثی که ذکر شد و نتایج تحقیقات پیشین به

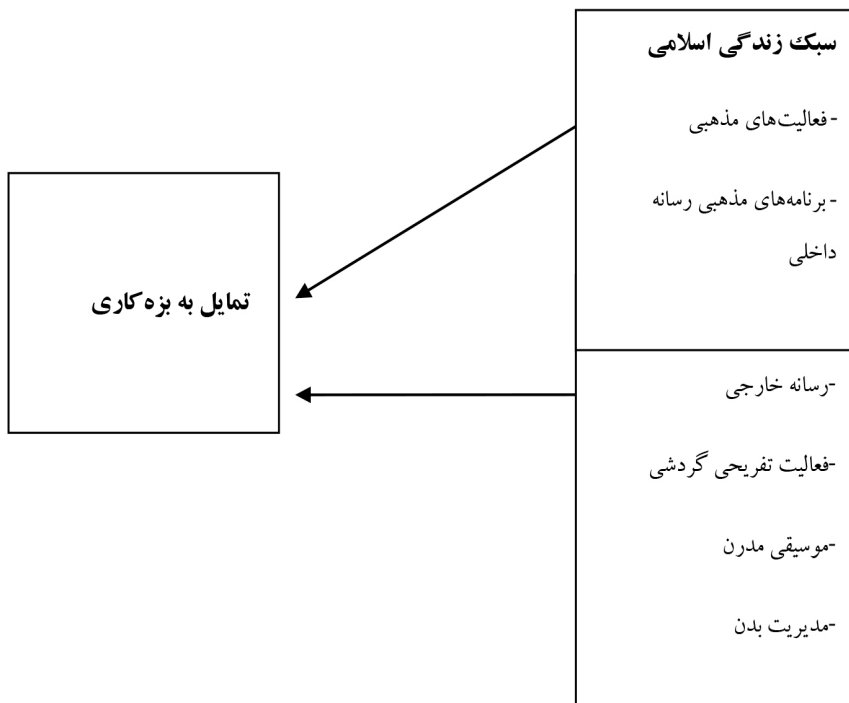




نظر می‌رسد که:

- بین فعالیت مذهبی و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین استفاده از رسانه خارجی و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین فعالیت تفریحی گردش و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین استفاده از موسیقی مدرن و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین مدیریت بدن و تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی رابطه معنی داری وجود دارد.

مدل تحقیق



جدول شماره ۱: نتایج تحلیل عاملی

نتیجه‌ی کلی آزمون KMO	ابعاد	عامل‌ها				متغیر سبک زندگی اسلامی	
		عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴		
K.M.O=0/88 Sig= 000	فعالیت‌های مذهبی				۰/۷۸۸	شرکت در جلسات مذهبی	
					۰/۷۷۷	همکاری با هیئت‌های دینی	
					۰/۷۰۳	حضور در نیروی بسیج	
					۰/۶۶۰	تماشای برنامه‌های تلویزیون داخلی	
					۰/۶۲۰	شرکت در نمازهای جماعت	
					۰/۵۹۹	حضور در مساجد	
					۰/۵۵۵	انجام فعالیت‌های مذهبی در خانه	
					۰/۵۵	رعایت حجاب و پوشش اسلامی	
				۰/۸۰۹		تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون داخلی	
				۰/۸۰		خواندن کتاب‌ها و مجلات مذهبی	
	استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی			۰/۷۹۲		گوش دادن به رادیو قرآن	
				۰/۷۲۶		مطالعه روزنامه داخلی	
		سبک زندگی مدرن	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	
						۰/۸۱۳	گوش دادن به موسیقی جاز، رپ، راک
				۰/۷۲۰	گوش دادن به موسیقی خارجی کلاسیک		
				۰/۵۵۹	استفاده از CD، DVD، Mp4، MP3 player موسیقی		
استفاده از موسیقی مدرن				۰/۵۴۱	گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی لوسانجلسی		
			۰/۷۳۶		مشاهده فیلم یا شوهای تلویزیون‌های خارجی		
			۰/۷۳۹		مشاهده تبلیغات ماهواره‌ای در خصوص لباس، مد و ...		
	استفاده از رسانه خارجی			۰/۶۶۶		گوش دادن به رادیو خارجی	
				۰/۶۱۸		چت کردن با اینترنت	
				۰/۶۱		وبگردی	
				۰/۶		استفاده از فیس بوک، توئیتر	
				۰/۶۸۸		تفریحی امکان و پارک‌ها در حضور	
	فعالیت گردشگری تفریحی			۰/۶۷		پاساژها، خیابان‌ها، در گذار و گشت	
				۰/۶۶۰		فود فست رستوران، در غذا صرف	
			۰/۶۲		دوستانه مهمانی‌های در حضور		
			۰/۶		.. تئاتر، سینماها، در حضور		
هدیرت بدن				۰/۷۹		به رفتن کوهنوردی، والبال، ورزشی فعالیت‌های انجام ورزشی باشگاه	
			۰/۷۸		استفاده از وسایل ورزشی در منزل		
			۰/۷۶		انجام حرکات آیروبیک، حرکات یوگا، رقصیدن		
			۰/۵۶		استفاده از عطر، مام، ادکلن و لنز رنگی		
			۰/۵		استفاده از ماینیکور و پدیکور، مژه مصنوعی و لاک ناخن		
			۰/۴۹		آرایش صورت، مو، تاتو موقت		

رابطه سبک زندگی با تمایل به بزرگاری

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و با تکنیک پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان دختر دبیرستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ در شهر کرمان بوده‌اند. در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ کل دانش‌آموزان دختر متوسطه دور دوم شهر کرمان برابر با ۳۶۵۶۸ نفر





بود که در دو ناحیه به تحصیل مشغول بوده‌اند. با ضریب اطمینان ۹۵ تعداد نمونه در این پژوهش ۳۸۱ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شدند. براساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت و در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌های دخترانه بطور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز پرسشنامه توزیع گردید. در این مرحله سعی شد که بر اساس مقطع تحصیلی (اول تا سوم و همچنین در مدارس پیش‌دانشگاهی) به نسبت پرسشنامه توزیع گردد. در مرحله نهایی به هنگام توزیع پرسشنامه در کلاس تلاش شده تا بطور تصادفی دانش‌آموزان انتخاب گردند.

به منظور اندازه‌گیری سبک‌های زندگی دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه ۳۹ گویه و برای سنجش تمایل به بزه‌کاری ۲۴ گویه تنظیم شد. کلیه سؤالات در قالب طیف لیکرت و سطح یا مقیاس فاصله‌ای مطرح و بر همین اساس نمره دهی انجام شد. پرسشنامه جهت تعیین اعتبار صوری، به تعدادی از متخصصان داده شد و اصلاحات مورد نظر انجام گرفت. برای سنجش پایایی، ضریب آلفای کرونباخ در مورد گویه‌های طراحی شده محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ برای طیف سبک زندگی مدرن و اسلامی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۶ و برای طیف تمایل به بزه‌کاری ۰/۸۳ به دست آمد. ضریب پایایی طیف فعالیت مذهبی و استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷ و طیف فعالیت گردشگری تفریحی، مدیریت بدن، موسیقی مدرن و استفاده از رسانه خارجی به ترتیب ۰/۸، ۰/۷۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ بدست آمد.

یافته‌های تحقیق

به منظور شناخت کلی از ویژگی‌های فردی پاسخگویان این پژوهش، نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۱۵ سال بوده است. اکثریت پاسخگویان ۱۶ ساله بوده و نتایج توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره اکتسابی از متغیرهای مستقل نشان می‌دهد ۷۸٪ در حد کم از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و ۳۱/۶ درصد در حد متوسط از رسانه خارجی استفاده می‌کنند. در حدود ۴۷٪ در زمان اوقات فراغت در حد متوسط به فعالیت‌های گردشگری تفریحی می‌پردازند، و ۳۱٪ از پاسخگویان در حد زیاد از موسیقی مدرن استفاده می‌کنند. همچنین ۴۶٪ از دانش‌آموزان در سطح متوسط به مدیریت بدن می‌پردازند. به طور کلی در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ۱۶/۳ درصد در سطح زیاد و ۴۶ درصد در سطح متوسط دارای سبک زندگی اسلامی و ۸ درصد در





سطح زیاد و ۴۵ درصد در سطح متوسط دارای سبک زندگی مدرن هستند.

نتایج توصیفی متغیر تمایل به بزه کاری و برخی گویه‌های آن به این شرح است: که تقریباً ۵۰ درصد از دانش‌آموزان تمایل به بزه کاری در سطح متوسط داشته و درصد بیشتری از پاسخگویان عنوان کرده‌اند که خیلی کم به دیگران دروغ گفته‌اند. ۱۰/۸٪ از دانش‌آموزان عنوان کرده‌اند که در امتحانات زیاد تقلب می‌کنند و در پاسخ به سوال برداشتن وسایل دیگران نیز تعداد اندکی از پاسخگویان حدود ۷ درصد این عمل را انجام داده‌اند.

۲۳/۶٪ از پاسخگویان ارتباط خود را با جنس مخالف در حد متوسط ذکر کرده‌اند. همچنین در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای سرگرمی و بدون دلیل خاصی ۱۷/۸٪ در حد متوسط و ۳/۷٪ در حد زیاد پاسخ داده‌اند، علاوه بر این در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای انتقام از مدیر و معلم ۱۳/۶٪ در حد متوسط و ۲/۹٪ در حد زیاد جواب داده‌اند. ۲۱/۵٪ از پاسخگویان دعوا در مدرسه خود را در حد متوسط دانسته و اکثریت ۵۲/۸٪ پاسخ اصلاً را انتخاب کرده‌اند.

جدول شماره ۲-آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و تمایل به بزه کاری

متغیرهای مستقل						متغیر مستقل متغیر وابسته
مدیریت بدن	موسیقی مدرن	فعالیت تفریحی گردش	رسانه خارجی	فعالیت مذهبی	برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی	تمایل به بزه کاری
۰/۲۱	۰/۳	۰/۱۹	۰/۳	-۰/۱۳	-۰/۱۲	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۲	Sig
۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	N

به منظور بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های انواع سبک زندگی با تمایل به بزه کاری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به مندرجات جدول ۲ مشاهده می‌شود تمامی روابط متغیرهای مستقل با متغیر تمایل به بزه کاری به لحاظ آماری معنی دار بوده است. جهت رابطه متغیر استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و فعالیت‌های مذهبی با تمایل به بزه کاری منفی و جهت سایر روابط مثبت بوده است. لازم به ذکر است که بیشترین ضریب همبستگی مربوط به استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و موسیقی مدرن می‌باشد. ضریب همبستگی مثبت رابطه‌ی سبک‌های استفاده از رسانه خارجی، فعالیت گردش تفریحی، موسیقی مدرن با متغیر وابسته، به این معنا



است که افزایش این سبک‌های زندگی، موجب افزایش تمایل به بزه‌کاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی می‌شود، اما در مورد متغیر استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و فعالیت‌های مذهبی رابطه برعکس می‌باشد بطوری که با افزایش مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در بین پاسخگویان، نمره‌ی تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون همبستگی بین سبک زندگی و تمایل به بزه‌کاری

تمایل به بزه‌کاری		متغیر مستقل
سطح معنی‌داری	میزان همبستگی	
۰/۰۱	-۰/۱۳	سبک زندگی اسلامی
۰/۰۰۰	۰/۳۱	سبک زندگی مدرن

با توجه به مندرجات جدول ۳ مشاهده می‌شود نمره سبک زندگی مدرن از مجموع نمرات متغیرهای استفاده از رسانه خارجی، موسیقی مدرن، فعالیت تفریحی گردشگری، مدیریت بدن و نمره سبک زندگی اسلامی از مجموع نمرات متغیرهای استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی و فعالیت‌های مذهبی بدست آمده است. جدول شماره ۲ نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های زندگی و تمایل به بزه‌کاری افراد است. نتایج بدست آمده از این جداول (r) و (p)، حاکی از آن است که در سطح معناداری ۹۹ درصد رابطه معناداری بین سبک زندگی و تمایل به بزه‌کاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی وجود دارد. همچنین مشاهده می‌شود که متغیر سبک زندگی اسلامی با تمایل به بزه‌کاری دارای رابطه منفی است. به عبارتی با افزایش سبک زندگی اسلامی، تمایل به بزه‌کاری در دانش‌آموزان کمتر می‌شود. اما سبک زندگی مدرن با تمایل به بزه‌کاری دانش‌آموزان دارای رابطه مثبت است.

جدول ۴: پیش‌بینی تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره همزمان

R ^۲	R	sig	T	Beta	B	متغیر وارد شده
۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۸	-۰/۲۵	-۰/۰۲	-۰/۰۷	برنامه مذهبی رسانه داخلی
		۰/۰۳	۲/۱۲	۰/۱۵	۰/۲۱	رسانه خارجی
		۰/۶۳	۰/۴۷	۰/۰۳	۰/۰۹	فعالیت گردشگری تفریحی
		۰/۰۰۵	۲/۸۳	۰/۱۸	۰/۶۱	موسیقی مدرن
		۰/۹۳	۰/۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۱	مدیریت بدن
		۰/۷۳	-۰/۳۵	-۰/۰۲	-۰/۲۷	فعالیت مذهبی

هدف این قسمت یافتن اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان تمایل به بزه‌کاری





دختران دبیرستانی شهر کرمان است. روش مورد استفاده در اینجا روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره همزمان می‌باشد. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از تغییرات تمایل به بزه‌کاری دختران دبیرستانی توسط مؤلفه‌های سبک زندگی نظیر متغیرهای استفاده از رسانه خارجی، موسیقی مدرن، مدیریت بدن، فعالیت گردشگری تفریحی، فعالیت‌های مذهبی و استفاده از برنامه مذهبی رسانه داخلی تبیین می‌شود. چنانکه مشاهده می‌شود، استفاده از موسیقی مدرن در دختران دبیرستانی دارای بیشترین ضریب بتا با تمایل به بزه‌کاری می‌باشد. کلیه ضرایب بتا در این جدول بغیر از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی مثبت است؛ یعنی با افزایش نمره فرد در هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی مدرن، نمره تمایل به بزه‌کاری افزایش می‌یابد. اما هر چه میزان استفاده از برنامه مذهبی رسانه داخلی و فعالیت‌های مذهبی بیشتر شود، میزان تمایل به بزه‌کاری کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی عبارت است از شیوه‌ای که افراد برای گذران امور روزانه در ابعاد مختلف زندگی انتخاب می‌کنند. این شیوه‌های زندگی در خانواده‌ها و افراد درون خانواده بر اساس عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و هر کدام از سبک‌های زندگی دارای مقتضیات و لوازم خاص خود می‌باشد. وضعیت کنونی جامعه ایران به گونه‌ای است که سبک‌های زندگی خانواده‌ها دارای تنوع و به هم ریختگی زیادی شده است. به طوری که اعضای یک خانواده ممکن است از سبک زندگی متفاوتی نسبت به هم برخوردار باشند. در سبک‌های زندگی متفاوت عناصر متفاوتی وجود دارد که می‌تواند در رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد و افراد خانواده را به سمت و جهت‌های گوناگون هدایت کند. این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین سبک زندگی دختران دبیرستانی با گرایش آن‌ها به رفتارهای بزه‌کارانه بوده است. همچنین بر اساس جهان بینی‌هایی که وجود دارد سبک‌های زندگی به انواع سبک زندگی اسلامی و مدرن تقسیم شده اما در جامعه امروزی افراد از یک سبک زندگی خاص و معین برخوردار نیستند، در واقع افراد ممکن است بطور همزمان دارای سبک‌های زندگی متعددی باشند که گاهی یک سبک زندگی بر سایر سبک‌های زندگی غلبه می‌یابد. بنابراین، این تحقیق رابطه بین دو سبک زندگی اسلامی و مدرن را با تمایل به بزه‌کاری در دختران دبیرستانی به محک بررسی و آزمون گذاشته است. بررسی میزان تمایل به بزه‌کاری در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمان





حاکی از آن است که نیمی از آن‌ها تمایل به بزه‌کاری در سطح متوسط داشته و به ترتیب ارتباط با جنس مخالف، دعوا در مدرسه، آسیب رساندن به وسایل مدرسه و تقلب بیشترین نوع بزه‌کاری رایج در بین آن‌ها بوده است. همچنین در پژوهش حاضر نشان داده شد که سبک زندگی اسلامی بیشتر از سبک زندگی مدرن در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی رایج است. نتایج توزیع فراوانی مؤلفه‌های سبک زندگی مدرن نشان می‌دهد تمایل دختران دبیرستانی به استفاده از موسیقی مدرن و رسانه‌های خارجی نظیر فیلم، ماهواره و... در حال افزایش است. در مقابل استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی در بین آن‌ها کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. فعلیت مذهبی در سطح متوسط در بین آن‌ها رایج بوده است. نتایج آزمون فرضیات پژوهش حاکی از این است که سبک زندگی مدرن و مؤلفه‌های آن نظیر استفاده از رسانه خارجی و موسیقی مدرن، فعالیت‌های گردشگری تفریحی و مدیریت بدن منجر به افزایش تمایل به بزه‌کاری در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی می‌شود. در واقع گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و بدون پیام‌ها معنادار، نمایش تصاویر خشونت آمیز و صحنه‌های قبیح و نامتعارف از رسانه‌های خارجی، شبکه‌های ماهواره، اینترنت و آشنایی با بعضی ترفندهای مجرمانه که در فیلم‌ها به تصویر کشیده می‌شوند، بازی‌های رایانه‌ای مهیج و محرک و ارتباط مجازی از طریق اینترنت، در نوع خود تاثیر منفی بر استفاده کنندگان، خصوصاً قشر کم سن و سال دختران دبیرستانی گذاشته و گرایش آن‌ها به ارتکاب اعمال ناهنجار را افزایش می‌دهد.

اما نتایج تحقیق نشان داد سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های آن با تمایل به بزه‌کاری رابطه منفی دارد. به عبارتی دیگر دخترانی که از الگوها و برنامه‌های مذهبی رسانه داخلی استفاده می‌کنند و به فعالیت‌های مذهبی می‌پردازند با باورهای به هنجار و شایسته جلا می‌یابند و گرایش‌های بزه‌کارانه کمتری دارند. نتایج این پژوهش در تأیید نظریه اسلامی علامه طباطبایی و زاهد بیان می‌کند که اگر ابتدا جامعه و سبک زندگی اصلاح نشود، رفتار اجتماعی درست و غیربزه‌کارانه بوجود نمی‌آید و انتخاب سبک زندگی درست می‌تواند از بروز رفتارهای بزه‌کارانه و نابهنجارانه افراد جلوگیری نماید. تحقیقات خارجی لاکفیلد، چادویک، بایر و رایت و تحقیقات داخلی خواجه نوری، صادقی‌فر، سلطانی نژاد و پوریوسفی و سایرین همگی همسو با نتایج تحقیق حاضر بر نقش سبک زندگی و پایبندی به اصول مذهبی بر تمایل به بزه‌کاری تأکید دارند. این پژوهش نیز در راستای پژوهش‌های پیشین رابطه‌ی بین سبک زندگی اسلامی با کاهش تمایل به بزه‌کاری را نشان می‌دهد.





بر اساس نظریه زاهد برای منحرف نشدن از بد و خوب، درست و غلط و مطلوب و نامطلوب‌های فطری کنترل‌کننده باطنی می‌باید با منطق صحیح در سبک زندگی اسلامی تربیت شود و دائم شخص خود را در معرض تذکر خوب و بد، درست و غلط و مطلوب و نامطلوب الهی قرار دهد. دولت اسلامی نیز می‌باید فرهنگ اسلامی و همراه با آن سبک زندگی سالم را رواج داده و حاکم کند. دستگاه‌های تربیتی جامعه نیز می‌باید به ابزار آخرین پیشرفت‌های تربیت اسلامی مجهز شده و سبک زندگی سالم را برای تربیت درست آحاد جامعه ترویج دهد.

در سطح اجتماعی کارگزاران دستگاه حکومتی مهم‌ترین الگوهای فرهنگی در القاء ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند. از این رو می‌باید متقی‌ترین افراد در این مناصب قرار گیرند و به مقتضای تقوا که همانا تبعیت از سیره معصومین و امتثال امر الهی است عمل کنند. الگوی مصرف و زندگی می‌باید بر اساس تعلیمات اسلامی شکل گیرد نه الگوهای نظیر الگوی سرمایه‌داری. تحقق فرهنگ عمومی اسلامی، سبک زندگی اسلامی و تربیت افراد نسل‌های جدید در راستای ارزش‌ها و هنجارها، رعایت بد و خوب، درست و غلط و مطلوب و نامطلوب‌های اسلامی را تسهیل می‌نماید.

لازم به ذکر است که هر سبک زندگی با توجه به نیازها و الزامات عصر حاضر از کارایی و توانمندی‌هایی برخوردار است و اجتناب از جنبه‌های مفید سبک‌های زندگی گوناگون مانع غنی‌سازی فرهنگی و پیشرفت می‌شود. سبک زندگی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری واحد نباید دانست و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را می‌توان پذیرفت. سیره‌ی عملی پیامبر اسلام و اهل بیت در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند. پس ارزش‌ها و نگرش‌های یکسان، لزوماً به سبک زندگی همسان نمی‌انجامد و با توجه به ویژگی انتخاب‌گری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه‌ی منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های مطابق با فرهنگ اسلامی را، یک سبک زندگی اسلامی به شمار آورد. مهم آن است که در فرآیند تعامل تمایلات و منابع، از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه‌های مرجع بسیار کارگشا خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۳). بهترین امر در این زمینه شناسایی عناصر مفید سبک‌های زندگی و قرار دادن آن‌ها در یک قالب منسجم و مناسب است که با احتیاجات و الزامات عصر حاضر همخوانی داشته باشد. سپس سبک زندگی سالم مطابق با فرهنگ اسلامی را از طریق نهادهای اجتماعی شدن به افراد جامعه انتقال داده شود.





در یک جامعه اسلامی با یک سبک زندگی موفق در هفت سال اول می‌باید بر افزایش دریافت‌های حسی صحیح تمرکز شود. در هفت سال دوم رشد دریافت‌های عقلی از طریق الگوهای درست و مطلوب و در هفت سال سوم تقویت تولی و تبری. هدف تربیتی هفت سال اول با فراهم نمودن امکان تجربه حسی در بالاترین حد خود محقق می‌گردد. ایجاد ممانعت و ترساندن کودکان از دست زدن به تجربه‌های جدید آثار منفی از خود به جا خواهد گذاشت. در هفت سال دوم فراهم نمودن الگوهای کامل از طریق داستان، فیلم و مهم‌تر از همه الگوهای ممتاز نزدیک، که پدر و مادر از جمله نزدیک‌ترین آن‌ها هستند، کار ساز خواهد بود. پدر و مادر از ابتدای زندگی که کودک رفتارها و گفتار آنان را کاملاً فیلم برداری کرده و در حافظه خود نگه می‌دارد، مواظب رفتارهای خود بوده و الگوهای شایسته‌ای برای فرزندان خود باشند. در هفت سال سوم از طریق محبت و القائات غیر مستقیم با جلب مشارکت خود نوجوان می‌باید به تربیت قلبی او پرداخت. در همه این سال‌ها با رعایت سبک زندگی اسلامی و پرورش منطقی صحیح در تربیت کودکان و نوجوانان موجب می‌شود بهترین وسیله برای تشخیص بد و خوب، درست از غلط و مطلوب و نامطلوب در اختیار آنان قرار گیرد. این کار با پرورش قوه ناطقه کودک محقق می‌شود و مانع قوی برای بروز رفتارهای بزه‌کارانه در نوجوانان می‌گردد.

اگر دریافت‌های سه مرحله شناختی در تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس سبک زندگی مدرن انجام شود و کودکان و نوجوانان الگوهای رفتاری خودشان را از منابعی نظیر ماهواره، اینترنت، موسیقی‌های مبتدل و تبلیغات رسانه‌های غربی دریافت کنند طبق نتایج به دست آمده رفتارهای بزه‌کارانه نظیر رابطه با جنس مخالف، استفاده از دخانیات، تخریب اموال عمومی و ... افزایش می‌یابد. بنابراین طراحی سبک زندگی اسلامی و ترویج آن در فرهنگ عمومی توسط نهادهای حکومتی، تربیتی و اجتماعی و توجه به مراحل رشد فرد در خانواده با تأکید بر نقش والدین بر الگوپذیری کودکان و نوجوانان از بروز رفتارهای بزه‌کارانه ممانعت به عمل می‌آورد. در واقع وقتی فرد سبک زندگی اسلامی را انتخاب کند، خود را متعهد به آن می‌داند و شیوه‌های ناسالم زندگی را کنار گذاشته و پایبندی فرد به سبک زندگی اسلامی که تحت تأثیر اوضاع و احوال اجتماع و خانواده شکل می‌گیرد، نقش تعیین کننده‌ای بر رفتارهای سالم فرد مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی دارد.



منابع

- ابازری، ی. و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱)؛ از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی»: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۰. ۲۷-۳.
- ابراهیمی، ق.ع. و رازقی، ن. و مسلمی پطرودی، ر. (۱۳۹۰)؛ اوقات فراغت و عوامل اجتماعی موثر بر آن: مطالعه موردی افراد ۱۵-۶۴ ساله شهرستان جویبار؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، ۴۴(۴)، ۷۱-۹۸.
- ابوترابیان، فاطمه. (۱۳۹۳)؛ نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با زندگی اسلامی، فصلنامه سبک زندگی دینی، شماره ۱، صص ۱۲۶-۹۵.
- بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی‌اردکانی. (۱۳۸۶)؛ تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴.
- پوریوسفی، طایفه، اشرف، آقاپور فرکوش. (۱۳۸۸)؛ بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۶۰-۱۹۴.
- خواجه نوری، بیژن و فاطمه‌هاشمی نیا. (۱۳۸۹)؛ «رابطه اوقات فراغت و بزه‌کاری دانش‌آموزان نوجوان شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفتم، شماره اول، صص ۵-۳۱.
- زارعی، اقبال. (۱۳۸۸)؛ بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۲۲۰-۲۲۴.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۹۰)؛ درآمدی بر مبانی روش تفکر اجتماعی در اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (در دست چاپ).
- زاهد زاهدانی، سید سعید و مسعود الماسی. (۱۳۸۶)؛ «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزه‌کارانه در میان حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان»، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۴-۲۵.
- صادقی فرد، مهدی. (۱۳۸۹)؛ عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزه‌کاری و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۸۵-۱۱۵.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۶)؛ تفسیر المیزان، ج ۱ و ۲، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- عابدی، منیره، نوروزی، رضاعلی و حسنعلی بختیارنصرآبادی. (۱۳۹۰)؛ تربیت اجتماعی از دیدگاه فردگرایان و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، صص ۶۳-۳۹.
- علیوردی نیا، اکبر و وجیهه آرمان مهر. (۱۳۸۷)؛ «فعالیت‌های ورزشی و بزه‌کاری: آزمون تجربی نظریه پیوند





- اجتماعی هیرشی»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال ششم، جلد دوم، شماره ۱۲، صص ۱۴۱-۱۳۳.
- فاضل قانع، حمید. (۱۳۹۳)؛ حوزه روابط اجتماعی بر مبنای سبک زندگی اسلامی، فصلنامه علمی تخصصی سبک زندگی دینی، سال اول، پیش شماره اول، ۷-۳۴.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲)؛ مصرف و سبک زندگی، ناشر: صبح صادق.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۵)؛ آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، انتشارات منصوری.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۷)؛ جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ سوم.
- مشکانی، محمدرضا و زهرالسادات مشکانی. (۱۳۷۱)؛ «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزه کاری نوجوانان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۲۵-۳.
- نازکبار، حسین، زاهدی، محمدجواد و هوشنگ ناییبی. (۱۳۸۵)؛ نقش دینداری در ممانعت از بزه کاری جوانان شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲، صص ۲۵۷-۲۳۴.
- نبوی، محمدهادی. (۱۳۹۱)؛ علل و عوامل روانی جرم از منظر قرآن کریم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۶۹ و ۷۰.
- Agnew, R. (1991); "The interactive effects of peer variables on delinquency", American Journal of Criminology, Vol.29, No.1, Pp: 47-72.
- Bair.C.J. & wright, B.R.E. (2001); If you love me, keep my commandments, ameta- analysis of the effect of religion on crime, Journal of Research in Crime and Delinquency, Vol. 38.
- Benda, B.B. & corwyn R.F. (2001); Are the effects of religion on crime mediated, moderated, and misrepresented by inappropriate measures?, Journal of Social Service Research, Vol. 27.
- Bourdieu, P. (1978); Sport and Social Class, in Social Science Information, 17, 818-842.conceptuelle et méthodologique". *Loisir et Société*, 9 (2),: 239-256.
- Chad Wick, B.A. & Top, B. L. (1993); Religiosity and delinquency among LDS adolescents, Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 32, N. 1.
- Jarvie, G. and Maguire, J. (1994); Sport and Leisure in Social Thought, Routledge.
- Khajehnoori, B.(2010). The Relationship between ICT's and Adolescents' Delinquencies Case study: Students in Abadeh County, Journal of Applied Sociology, Vol 39, No3,Pp: 114-135.
- Litchfield, Alleh W., Darwin, T. L. & Doali, B. (1997); Dimensions of religiosity as mediators of the relations between parenting and adolescent deviant behavior, Journal of Adolescent Research, vol. 12.
- Piers, B. & James W. Messerschmidt(2005); "Criminology: A Sociological Approach",Oxford University.
- Serajzadeh, H.(1998); Muslim religiosity and delinquency: an examination on iranian youth, Department of Sociology University of Essex, London.

